

سیاست مطبوعاتی در آخرین سال‌های حکومت رضاشاه



حکومت و مطبوعات (۱۳۱۷ - ۱۲۹۹)

کنترل و هدایت افکار عمومی، در زمره اساسی‌ترین ابزارهای حکومت‌های نوین برای کسب و نگاهداشت قدرت است. اگرچه در اولین ماه‌های پس از کودتای ۱۲۹۹، روزنامه‌نگار توانائی چون سیدضیاء از صحنه سیاسی ایران حذف شد، اما رضاخان و هواداران او به خوبی قابلیت خود را در به کارگیری احساسات عمومی برای اعمال فشار مضاعف بر احمدشاه جوان نشان دادند. سیل تلگراف‌های آتشینی که در حمایت از جمهوری و اعلام انزجار از سلطنت قاجاریه به سوی پایتخت روان بود، در حقیقت نخستین هنرنمایی‌های نظامیان برای سخن گفتن به جای مردم بود.^۱ جستجوی «دست آهینین» و «منجی ایران» و «نادری دیگر» در شهرها به شعار متداول قشرهایی از جامعه بدل شده بود که با احساس دردناک تأسف، شاهد خاموشی شعله نهضت مشروطه بودند. بدین گونه بود که شاعران، مهمترین گروه تأثیرگذار، در جامعه آن روز بعضی به رغبت و بعضی از روی مصلحت، به ثناگوئی رضاخان پرداختند مثلاً شاعر برجسته‌ای چون عارف قزوینی در غوغای جمهوری غزلی در تالار «گراند هتل» تهران خواند که از آن غزل ابیات زیر بر سر زبان‌ها افتاد:

خوشم که دست طبیعت نهاد در دربار
چراغ سلطنت شاه بر درچه باد
کنون که می رسد از دور رایت جمهور
به زیر سایه او زندگی مبارک باد!
ایرج میرزا جلال الممالک که به خاطر این غزل از عارف سخت رنجیده بود آن «عارف‌نامه» هزل‌آمیز را بر ضد این شاعر پر احساس سرود و در آن گفت که آن «یک دهن» را بی ربط خوانده است ولی با این حال، در همان منظومه عارف‌نامه چنین می‌گوید:

تجارت نیست، صنعت نیست، ره نیست
امیدی جز به سردار سپه نیست.^۲
در جریان جمهوری خواهی روزنامه‌های اکثریت هم به حمایت از «نهضت جمهوری خواهی» پرداختند ابتدا مقالاتی در انتقاد غیرمستقیم از احمدشاه به چاپ می‌رسید، ولی پس از درج مصاحبه رضاخان با «شفق سرخ» درباره لزوم تصحیح اصلاحات بیشتر، روزنامه‌های تهران و پس از آن روزنامه‌های شهرستان‌ها به شرح و تفسیر مصاحبه پرداختند و یکسره سلسله

قاجاریه را مورد حمله قرار دادند و پس از آن نوبت اصل سلطنت موروثی و اظهار معایب آن رسید. این نکته که فعالیت بر ضد قاجاریه، همزمان و در بیشتر روزنامه‌های پایتخت آغاز گردید، می‌تواند نشانه این باشد که میان ناشران و سردبیران روزنامه‌ها از سوئی و الهام دهندگان این فعالیت، یعنی هیأت دولت از دیگر سو موافقت کامل حاصل شده بود.^۳ اما پس از مدت کوتاهی، با شکست جریان جمهوری خواهی اولین دوره همکاری مطبوعات و رضاخان پایان یافت.

استقرار سلطنت مطلقه پهلوی و آشکار شدن رویه خشن و دیکتاتورمآبانه رضا شاه، مطبوعات را بر سر ریک دوراهی قرار داد. بسیاری از مطبوعات به تعطیلی کشانیده شدند و رابطه چند روزنامه باقی مانده هم با حکومت پهلوی از همکاری به مزدوری گراشید. مطالعه روزنامه‌هایی چون اطلاعات، ایران و کوشش در طول سال‌های سلطنت وی نمایانگر یکسانی کامل و یکنواختی کسل‌کننده‌ای است.

در طول حکومت رضاشاه آداب و سنن مذهبی مورد هجوم قرار گرفت. پوشش سنتی مردان و حجاب زنان با سرعیزه مأموران امنیه به لباس‌های فرنگی تبدیل شد، تدریس شرعیات در مدارس حذف شد، قدرت و نفوذ روحانیون به شدت کاهش یافت و نظم نوین اداری به شکل فزاینده‌ای به سوی تمرکزگرایی هدایت گردید. «سازمان املاک اختصاصی» و «شرکت‌های انحصاری»، خفقان سیاسی و نابسامانی اوضاع اقتصادی دست به دست هم داد و زمینه‌های دوری مردم از حکومت را فراهم آورد. به تدریج متفکران و سپس بسیاری از مردم به این نتیجه رسیدند که رضاشاه چنگیزی در لباس نادر است که هدف حکومتش نه حفظ و حمایت ملت است و نه بهبود اوضاع کشور، بلکه تنها به نگاهداری دستگاه ترور و چپاول و توسعه غاصبانه اموال خود می‌پردازد. برای جلوگیری از ابراز مخالفت در ابتدای کار، روش تولید رعب و وحشت کافی به نظر می‌رسید. ولی وقتی افراط در سوء استفاده، جریان را به خارج از کشور و افشاگری‌های روزنامه‌های خارجی کشاند، باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد که دیگر از جنس تهدید و کشتار نباشد و با افکار مردم سرو کار داشته باشد. تنها راه چاره، تبلیغاتی قوی و همه جانبه بود تا ارزش‌های جدید روش‌های نوین زندگی و حس

قدرشناسی نسبت به حکومت^۴ را در ذهن مردم کاملاً جایگزین کند، و این مسئله تشکیلات منسجم، بهره‌گیری از افراد متخصص و بودجه‌ای چشمگیر بود.

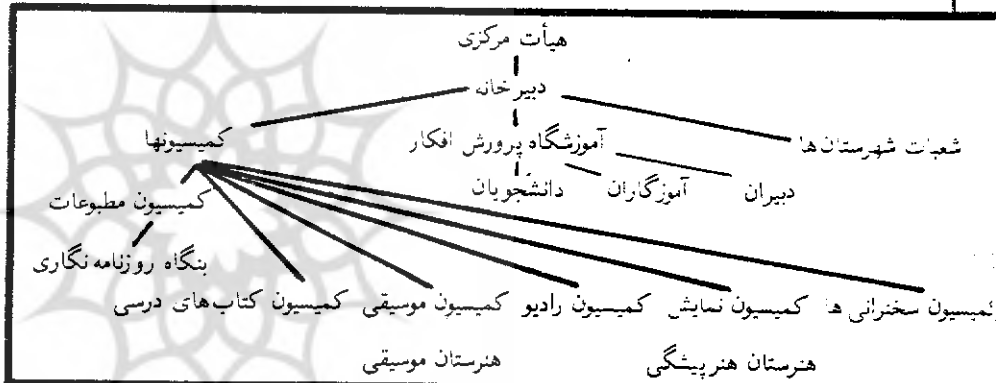
تشکیل سازمان پرورش افکار

با آماده شدن زمینه‌های لازم، هیأت وزیران در جلسه ۱۲ دی ماه ۱۳۱۷ اساسنامه تشکیلاتی به نام سازمان پرورش افکار را به تصویب رسانیدند. روزنامه‌های وابسته بلافاصله به مدیحه‌سرایی پرداختند و تشکیل سازمان پرورش افکار را به مثابه آغاز نهضتی جدید در کشور قلمداد کردند. و نویسندگان روزنامه ایران از ابعاد جهانی آن سخن گفتند. سازنده‌ی تشکیلات و تهیه‌کننده آن هم‌لازم به سرعت انجام گرفت. بنابر اسناد موجود، نمای اداری سازمان پرورش افکار به شکل زیر بوده است^{۱۱}:

سیاست مطبوعاتی سازمان پرورش افکار و اداره کل انتشارات و تبلیغات:

در هفتمین جلسه هیأت مرکزی اساسنامه کمیسیون مطبوعات به تصویب رسید و از ۳۰ بهمن ۱۳۱۷، این کمیسیون به ریاست محمد حجازی فعالیت خود را آغاز کرد.

تا نیمه مهر ۱۳۱۹، اجرای سیاست مطبوعاتی صرفاً بر عهده سازمان پرورش افکار بود. اما با گسترش جنگ جهانی دوم و حساسیت روزافزون مطبوعات در حفظ تعادل خبری میان طرف‌های درگیر و نیز نا کفایت بودن اختیارات اجرایی سازمان پرورش افکار که وابسته به وزارت فرهنگ بود، سازمان جداگانه‌ای زیر نظر شخص نخست وزیر (علی منصور) به نام اداره کل انتشارات و تبلیغات تأسیس شد. ریاست این سازمان به عهده یکی از برجسته‌ترین طراحان و کارگزاران فرهنگی رژیم یعنی دکتر عیسی صدیق - از



اعضا هیأت مرکزی سازمان پرورش افکار - نهادی شد. وی بلافاصله شورای عالی انتشارات را با همکاری قویترین رجال سیاسی و ادبی کشور به وجود آورد^{۱۲}.

پس از تعیین سیاست و خط‌مشی اداره کل تبلیغات، این ادارات از وزارتخانه‌های دیگر با رؤسا و کارمندان آنها به اداره کل انتشارات و تبلیغات منتقل شدند: خبرگزاری پارس از وزارت امور خارجه، راهنمای نامه‌نگاری از وزارت کشور، کمیسیون‌های سخنرانی، مطبوعات، موسیقی و رادیو از سازمان پرورش افکار. با پیوستن کمیسیون مطبوعات به این مجموعه توانائی اجرایی وامکانات حمایتی آن افزایش چشمگیری یافت^{۱۳}.

با دقت در مواد اساسنامه، به نظر می‌رسد این کمیسیون ۵ وظیفه عمده را به عهده داشته است:

۱- هدایت کلی مطبوعات کشور ۲- اصلاح و کنترل کیفیت چاپ در کشور ۳- تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات ۴- سفارش و

نخستین اقدام برای عملی کردن این طرح، تأسیس شعبات سازمان در شهرستان‌ها و تصویب طرح پرورش افکار دانشجویان در جلسه شورای دانشگاه بود. قدم بعدی تربیت نیروهای متخصص تبلیغاتی بود که در این راستا آموزشگاه‌هایی تأسیس شد. اولین آموزشگاه مختص آموزگاران و دبیران بود. کلیه دبیرانی که کمتر از ۵۰ سال و آموزگاران که کمتر از ۴۰ سال داشتند موظف گردیدند که در آموزشگاه حاضر شوند دروسی چون پرورش افکار به وسیله تاریخ و جغرافیا، آئین سخنوری، مبارزه با خرافات، پیشرفت ایران در عصر پهلوی، ملیت و وحدت ملی و اصول تربیت پیشانگی را فرا گیرند^{۱۴}. داشتن گواهینامه این آموزشگاه، در ترفیع و اخذ اضافه حقوق کاملاً مؤثر بوده است^{۱۵}. هنرستان هنرپیشگی و هنرستان موسیقی نیز تربیت کادرهای متخصص در نمایشنامه‌نویسی، هنرپیشگی و نوازندگی را بر عهده داشتند.

انتشار کتبی در راستای اهداف سازمان پرورش افکار ۵- ایجاد نشریه‌ای قوی، مصور و تبلیغاتی به عنوان ارگان سازمان پرورش افکار^{۱۶}.

۱- هدایت کلی مطبوعات کشور:

در مواد ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ اساسنامه به این مسئله اشاره شده است. نشریات باید به انواع مختلف تقسیم می‌شدند و هر یک بنا به مخاطبان خود اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. از طرف دیگر کمیسیون با گردآوردن نویسندگان زبردست باید موضوعات و مقالاتی را به منظور اجرای مرام پرورش افکار برای درج در مطبوعات و نمونه دادن به نویسندگان دیگر تهیه می‌کرد.

ایجاد روزنامه‌های انحصاری در مراکز استان‌ها:

برای تقویت مطبوعات وابسته و تسهیل در احوال نظارت بر کیفیت و محتوای مطالب منتشر شده، تصمیم گرفته شد که در مرکز هر استان با ادغام روزنامه‌ها یا گاهنامه‌های مختلف در یکدیگر، مقدمات انتشار یک روزنامه قوی با مدیریت واحد و با مشارکت تمامی دست‌اندرکاران فراهم شود^{۱۷}. این سیاست مورد توجه شخص رضاشاه بود و با دقت و وسواس تمام از سوی او پیگیری می‌شده است^{۱۸}. در این راستا محمد حجازی طی مسافرت‌های متعددی به شهرستان‌های مختلف به مذاکره با صاحبان روزنامه‌های محلی پرداخت.

روزنامه منتخب از مزایائی چون تأمین کاغذ، مخبره تلگرافی لاقط هزار کلمه در هر روز، اخبار خارجه و داخله، ارسال مقالات متنوع از طرف پرورش افکار، همکاری ادارات فرهنگ، بهداری و کشاورزی برای تهیه مقالات و فرستادن اخبار محلی توسط استانداری، فرمانداری و شهرداری، ترغیب و تشویق مردم و بنگاه‌های بازرگانی توسط استانداری برای اشتراک روزنامه و دادن آگهی برخوردار می‌شد^{۱۹}.

بر اساس اسناد موجود در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۱۸، از ادغام دو روزنامه «گذران توده» و «پرورش» در شهرستان رشت روزنامه «پرورش توده» به وجود آمد. و پس از مدتی این نام به «سپید رود» مبدل شد^{۲۰}. روزنامه جدید بیش از هشت ماه دوام نیاورد و در اثر اختلاف مدیران و عدم حمایت از طرف استاندار، تعطیل شد. خلیل

نوعی مدیر روزنامه «گذران توده» در نامه‌ای خطاب به معاون نخست وزیر ضمن یادآوری مشکلاتی که پس از انتشار روزنامه «سپید رود» متحمل شده است به ذکر خدمات خود پرداخته و می‌نویسد: «به‌تنهائی می‌توانم از عهده برآمده، استرضای دولت و جمعیت سازمان پرورش افکار را فراهم کنم. چنانچه یک نظر کوچک به مقالات منتشره در روزنامه سپید رود منتخبه دولت ثابت می‌کند بر جراید شهرستان‌ها رحجان و مزیت دارد و مؤثرترین مقالات از قبیل: گفتار روز، سخنرانی‌ها، اقتصاد گیلان از نظر بازرگانی و کشاورزی شرکت‌ها و انواع آن‌ها، بهداشت بانوان، روزنامه و روزنامه‌نگار، صنایع دولت‌های بزرگ، مقالات کشاورزی و پیاووقی قهرمانان گمنام در روزنامه سپیدرود منتشر گردیده است.» وی در قسمت دیگری از نامه خود به



نکته‌ای اشاره می‌کند که از میزان محبوبیت روزنامه‌های پایتخت در شهرستان‌ها حکایت می‌کند؛ «با اندک تحقیق می‌توان یافت روزنامه ایران که از حیث مقاله و متوعات خود مهمترین روزنامه است در شهرستان رشت غالب اوقات تک فروشی ندارد و درآمد روزنامه در رشت برابر هزینه آن از سه هزار ریال بیشتر نیست.» وی بالاخره موفق می‌شود امتیاز روزنامه سپیدرود را به نام خود ثبت کرده و از مزایای «روزنامه انحصاری» برخوردار شود.^{۲۰}

شهرستان رضائیه (ارومیه) مرکز استان چهارم تا سال ۱۳۱۹. فاقد یک روزنامه مستقل بوده است. در مهرماه همان سال، حجازی در جلسه‌ای با شرکت مسئولان ادارات و متفنین استان، آنها را به ایجاد چاپخانه و روزنامه تشویق می‌کند. در نتیجه ربیع انصاری مدیر داروخانه و تجارتخانه انصاری! حاضر می‌شود روزنامه‌ای به نام «کیوان» را زیر نظر اداره فرهنگ دایر نمایند. برای انتشار روزنامه، شرکت سهامی چاپ رضائیه با سرمایه سیصد هزار ریال تشکیل گردید. همچنین برای کمک به هزینه چاپخانه قرار شد کلیه مطبوعات دوایر دولتی در شهرستان رضائیه و سایر شهرستان‌های استان چهارم به شرکت تامبرده ارجاع شود.^{۲۱}

در تبریز نیز با این که سه روزنامه شاهین، تبریز و سهند دایر بود ولی وضع آنها رضایت بخش نبود. لذا پس از چند جلسه مذاکره در حضور رئیس اداره فرهنگ و مسئولان روزنامه‌های موجود، حاصل آن شد که روزنامه‌ای به نام «آریا» به سعی صاحبان سه روزنامه نامبرده با مساعدت دولت ایجاد شود. اما از آن جا که هیچ یک از آقایان صاحبان روزنامه‌های نامبرده حاضر نمی‌شد که جز خودش دیگری صاحب امتیاز روزنامه جدید بشود، اسدالله دهقان یکی از بازرگانان مته تبریز حاضر شد امتیاز روزنامه را به اسم خود به ثبت رساند.^{۲۲}

انحصاری نمودن روزنامه‌های شهرستان‌ها علاوه بر مشکلاتی که در اثر عدم توافق مدیران به وجود آورد. گه با پیگیری و شکایت صاحبان روزنامه‌های تعطیل شده و مواجه می‌گردید. مثلاً حسن مجاهد صاحب امتیاز روزنامه «بهار ایران» شیراز در نامه‌ی به نخست وزیر ضمن دادخواهی نسبت به تعطیل روزنامه‌اش راجع به روزنامه انحصاری «گلستان» می‌نویسد: «سزاوار نیست در شیراز که شهر ادبی و گهواره سعدی و حافظ به شمار می‌رود تنها یک روزنامه به نام گلستان که آن هم در حقیقت نماینده آگهی‌های ثبت اسناد است منتشر و سایرین از این حق محروم گشته و به قون خواجه: سخن درست بگویم نمی‌توانم دید - که می‌خورند حریفان و من نظاره کنم.»^{۲۳}

در پایان سال ۱۳۱۹. در ۸ مرکز استان، روزنامه‌های انحصاری مورد حمایت دولت قرار داشتند و از تسهیلات مالی و تدارکاتی لازم

بهره‌مند بودند^{۲۴}. و بیش از ۱۰۰۰ مقاله مربوط به پرورش افکار در این نشریات به چاپ رسیده بود.^{۲۵}

۲- اصلاح و کنترل کیفیت چاپ در کشور:

با توجه به ۴ بند آخر اساسنامه، کمیسیون مطبوعات نظارت بر کلیه وسایل چاپ در کشور را بر عهده گرفت. این کمیسیون می‌توانست با تعیین شرایطی برای ماشین‌های چاپ روزنامه‌ها و مجلات، از به کار انداختن ماشین‌های چاپ ناقص و کهنه جلوگیری کند. به این ترتیب بسیاری از چاپخانه‌ها تنها به خاطر اشکالات فنی: مثل یکنواخت نبودن مرکب و استفاده از حروف مستعمل تویخ شده و در معرض تعطیل قرار گرفتند.^{۲۶}

ایجاد چاپخانه‌های جدید و تکمیل و اصلاح چاپخانه‌های موجود یکی دیگر از وظایف کمیسیون مطبوعات بود. در جلساتی که با حضور مدیران روزنامه‌های ایران، اطلاعات، کوشش، تجدد ایران و مجله یاران امروز و وزیر دارایی تشکیل گردید تصمیم گرفته شد که چاپ نشریات نفیس و اوراق بهادار به چاپخانه مجلس اختصاص داده شود و برای تکمیل نقایص آن اعتباری به مبلغ ۴۱۸۰۰۰ ریال در نظر گرفته شد.

در همان جلسه راجع به بقیه روزنامه‌ها آمده است: «از آن جا که درآمد چهار روزنامه اصلی پایتخت کفاف هزینه و استهلاک سرمایه لازم برای تکمیل چاپخانه‌های آن‌ها را نمی‌داد، با پرداخت وامی بلند مدت با بهره مناسب به آنان موافقت شد. در مقابل لازم بود چاپخانه و تمام ماشین‌آلاتی که بعداً در آن نصب می‌شد تا مدت تأدیه وام به وثیقه بانک درآید. ولی چون به هر حال باز هم درآمد هر روزنامه کفاف هزینه جاری و بهره وام را نمی‌داد، برای آن که هم درآمد مسلمی برای چاپخانه‌های نامبرده تأمین گردد تا بتوانند از عهده تأدیه وام و هزینه جاری خود برآیند و هه آن که اوراق مطبوعه ادارات و مؤسسات دولتی صورت بهتر و آبرومندی داشته باشد تنها راه چاره‌ای که به نظر رسید این بود که کلیه مطبوعات دولتی جز آنچه به چاپخانه مجلس داده می‌شد در حدود استعداد چاپخانه‌های چهارگانه، منحصرأ به سندیکائی که برای این کار تشکیل می‌شد و مرکب از صاحبان چاپخانه‌های نامبرده

بود داده شود که به فراخور امکان هر یک بین خود تقسیم و هزینه مربوط را بابت اقساط وام به دولت محسوب دارند^{۲۷}».

مفهوم جملات بالا این است که اولاً چهار روزنامه پایتخت در مقابل دریافت وام در واقع به مالکیت دولت درآمدند. ثانیاً تا سال‌های طولانی انتشار اوراق دولتی را مجاناً به عهده گرفتند.

با اجرای این سیاست، چاپخانه‌های سابقه دار و مستقل شهرستان‌ها در اثر عدم توانایی مالی برای بهبود دستگاه‌های خود از درآمد ناشی از چاپ اوراق دولتی و سپس انتشار هرگونه نوشته‌ای محروم شدند و به تدریج جای خود را به چاپخانه‌های دولتی یا وابسته به دولت دادند. مدیران پنج چاپخانه رشت ضمن ارسال گلابیه نامه‌ای به سازمان پرورش افکار، زبان ناشی از اقدامات دولت را با جملاتی این چنین شرح می‌دهند: «چاپخانه‌های رشت تاکنون به واسطه چاپ اوراق سیگار و کشاورزان چای، خود را اداره می‌کردند. چند سال قبل به واسطه انحصار دخانیات، چاپ اوراق سیگار از بین رفت و کارهای چاپخانه منحصر به اوراق بسته بندی چای گردید که آن هم از سال جاری به واسطه انحصار موقوف شد. چاپخانه‌های رشت حاضر شده‌اند که مزد چاپ دوایر دولتی شهرستان رشت را از قیمتی که وزارت دارائی به چاپخانه‌های تهران می‌پردازد صدی پانزده و از مزد صحافی صدی پنج تخفیف دهد، با این حال روانیست که دوایر ثبت اسناد، پست و تلگراف، بانک‌ها و قماش، اوراق معرفی خود را تماماً و دوایر دارائی، دخانیات، برنج و نوغان قسمت اعظم اوراق خود را از تهران وارد نمایند^{۲۸}».

۳. تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات.

تا پیش از تشکیل سازمان پرورش افکار، روزنامه نگاری، حرفه‌ای بود که دست اندرکاران آن بر اثر علاقه شخصی و به مدد تجربه عملی به تدریج در کار خود متبحر شده و با استفاده از زمینه‌های اجتماعی به ارائه خدمات فرهنگی می‌پرداختند. با آغاز سال ۱۳۱۹ اولین مؤسسه رسمی آموزش روزنامه نگاری وابسته به کمیسیون مطبوعات تشکیل شد. این مؤسسه که «بنگاه روزنامه نگاری» نامیده می‌شد با تشکیل دوره‌ای

یک ساله در دانشکده حقوق، از داوطلبانی که دارای شرایط زیر بودند ثبت نام می‌کرد:

۱- حسن اخلاق ۲- گواهینامه تحصیلات متوسطه ۳- انجام خدمت زیرپرچم یا داشتن معافیت دائم از آن ۴- صحت مزاج ۵- تابعیت ایران. کارمندان و نویسندگان شاغل در روزنامه‌ها از شرط دوم و دانشجویان دانشکده‌ها از شرایط دیگر معاف بودند.

برنامه بنگاه روزنامه نگاری از موارد زیر تشکیل می‌شد:

۱- زبان عربی و یکی از زبان‌های زنده ۲- روزنامه نگاری شامل: موضوع دادن برای نگارش یا نشان دادن نمونه‌های مطبوعات بزرگ عالم، سرفاله نویسی و نگارش، مقاله‌های سیاسی و اقتصادی و مالی و تجارتي، تقریظ شامل: کتاب هنر، موسیقی، نمایش و سینما ۳- اصول روزنامه نگاری (خبرنگاری- ترقی و توسعه روزنامه در عصر حاضر، سیاست روزنامه، روانشناسی توده، قانون مطبوعات ایران و آئین نامه‌های آن) ۴- تاریخ معاصر اروپا و ایران و کشورهای مجاور ۵- تند نویسی.

دانشجویان پس از خاتمه تحصیل از وزارت فرهنگ گواهینامه رسمی روزنامه نگاری را دریافت می‌کردند^{۲۹}.

متأسفانه در نتیجه دیرباز بودن استاد فرهنگی دوران رضاشاه، اطلاعات ما درباره تعداد دوره‌های تشکیل شده، افراد شرکت کننده و اساتید بنگاه روزنامه نگاری بسیار محدود است. در مقاله‌ای دیگر^{۳۰} به نقل از نوشته‌ای منتشر نشده، نام سعید نفیسی و محمد حجازی به عنوان مدرسان آن مؤسسه ذکر شده است^{۳۱} که با توجه به مسئولیت محمد حجازی در کمیسیون مطبوعات و تدریس سعید نفیسی در آموزشگاه پرورش افکار این امر محتمل است. نگارنده در ضمن مطالعه شرح حال مرحوم جلال‌الدین همائی دریافت که وی در سال ۱۳۱۹ در دانشسرای عالی شروع به کار می‌کند ضمناً برای مدتی محدود به معلمی کلاس روزنامه نگاری انتخاب می‌شود، در همین ایام است که کم کم به دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات انتقال می‌یابد^{۳۲}. به این ترتیب باید نام مرحوم همائی هم به مجموعه ناقص اساتید آن مؤسسه اضافه شود. ولسی در مورد شرکت کنندگان و سرنوشت آن بنگاه باید تا یافتن اطلاعات بیشتر صبر کرد. اما همین اطلاعات

مختصر دربارهٔ درس و اساتید روزنامه نگاری در آن دوران و مقایسه آن با محتوای فعلی درس قوت برنامه ریزی مشولین بنگاه روزنامه نگاری را می‌رساند.

بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه کمیسیون مطبوعات موظف شده بود وسایل ایجاد کلاس چاپ برای تهیه چاپگرهای لایق را فراهم کند. اداره کل انتشارات و تبلیغات هم وظیفه‌ای مشابه را بر عهده داشت. مع هذا از کم و کیف تشکیل این کلاس نیز اطلاع چندانی نداریم ولی با توجه به نامه‌ای از اداره کل انتشارات و تبلیغات به نخست وزیر، (۱۹/۱۰/۵) که در آن تصریح شده تأسیس آموزشگاه چاپ به سال بعد موکول می‌شود، احتمال می‌رود با بروز حوادث شهریور ۲۰ این مسأله هم عملی نشده باشد.

۴- سفارش و انتشار کتاب در راستای اهداف سازمان پرورش افکار:

بر اساس ماده نهم اساسنامه، کمیسیون مطبوعات موظف می‌شد هر ساله تا بیست موضوع را در زمینهٔ مرام پرورش افکار، مسابقه بگذارد و به نویسندگان کتاب‌های پذیرفته شده دستمزد بدهد. اما در عمل کار کمیسیون در انتشار ۴ مجموعه از سخنرانی‌ها، نمایشنامه‌ها و آئین نامه‌های سازمان پرورش افکار و نیز انتشار مجموعه درس مربوط به آموزشگاه پرورش افکار خلاصه شد و در قسمت تألیف هم کتابی به نام «فروغ زندگی» برای سواد آموزی سالمندان توسط حسین فرهودی رئیس دبیرخانه سازمان نوشته و توسط کمیسیون مطبوعات منتشر شد. از کتاب‌های احتمالی دیگر که مستقیماً یا با حمایت سازمان پرورش افکار منتشر شده است اطلاعی به دست نیامد.

۵- ایجاد مجله‌ای به عنوان ارگان تبلیغاتی:

اگر چه پس از تشکیل سازمان پرورش افکار در واقع تمام مطبوعات کشور به نوعی ارگان تبلیغاتی دولت شدند، اما نیاز به یک نشریهٔ وزین و بهره‌مند از بهترین اسلوب‌های نگارش، صفحه بندی و چاپ از چند جهت لازم بود؛ اولاً: انتشار این مجله می‌توانست الگوی مطلوبی را برای دیگر مطبوعات فراهم آورد. ثانیاً ارگان مستقل باعث تقرب بیشتر مسئولان پرورش افکار در نزد دربار می‌شد. ثالثاً ضرورت وجود نشریه‌ای که در خارج نیز معرف پیشرفت‌ها و وضعیت

جاری کشور باشد حس می‌ش. در نتیجه انتشار مجله ماهانه‌ای به نام «ایران امروز» به مدیریت محمد حجازی مورد تصویب قرار گرفت. اولین شماره ایران امروز در ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ - سالروز تولد رضاشاه - منتشر شد. روی جلد تصویر بزرگ پل ورمک نقش بسته و سرمقاله این گونه آغاز می‌شود: کارکنان این مجله بنا به وظیفه مقدس دانش‌پروری که برعهده گرفته‌اند، هم میهنان را به شاه‌پرستی و میهن‌دوستی رهبری [می‌کنند] مجله با گزارش‌های مصوری از رژه سوم - سالروز کودتا - و دیگر مراسم رسمی همراه بوده است.

توصیف آنچه در طول ۲ سال انتشار این مجله بر آن گذشت، خود فصل مفصلی خواهد شد از سرنوشت محتوم نشریات فرمایشی، اما با توجه به حجم مقاله تنها به ذکر اجمالی از آن تفصیل اکتفا می‌شود. اولین مشکل اساسی مجله مسأله عدم توازن درآمد و هزینه بود. در ابتدا وزارت کشور عهده‌دار تأمین هزینه‌های مجله به حساب اداره نامه‌نگاری آن وزارتخانه بود. ولی به علت قیمت گران مجله (صد ریال برای هر سال) و این که در آن اداره بودجه‌ای برای این کار منظور نشده بود، اداره مجله بابت کاغذ و چاپ مجله در چاپخانه مجلس مقدار زیادی بدهکار شد. در سال بعد نیز میزان این بدهکاری چنان بالا رفت که چاپخانه مجلس از ادامه چاپ مجله خودداری کرد. مشکل بعدی مجله مسأله توزیع آن بود. با آن که از ابتدا مجله تیراژی در ۵ هزار شماره داشت، ولی خریداری برای آن پیدا نمی‌شد.

اقدامات تمام ارگان‌های دولتی برای یافتن خریدار به جایی نرسید و در آخرین سال انتشار تیراژ مجله به دو هزار عدد تقلیل یافت. تلاش‌های دولت برای جلب مشترک برای مجله از این قرار بود؛ ابتدا به استانداری‌ها ابلاغ شد که باید برای فروش مجله اقدام فوری و مؤثر نمایند. و نتیجه را به نخست‌وزیر اطلاع بدهند تا به عرض برسد. نمایندگان مجلس شورای ملی نیز موظف شدند تا اشتراک مجله را بپذیرند. شهرداری تهران نیز می‌بایست لاقلاً هزار مشترک صنوف مختلف از پزشکان گرفته تا آرایشگاهی بیابد و به علاوه هر ماه ده آگهی از بنگاه‌های مهم را برای مجله فراهم کند. سفارتخانه‌های ایران در خارج نیز موظف شدند با استفاده از بودجه وزارت خارجه ماهی ۱۰ شماره از مجله را مشترک شوند. آخرین راه‌حل نیز تحمیل مجله به تمام کارمندان دولت بود که ماهیانه بیش از هزار ریال حقوق می‌گرفتند. لیست اسامی این افراد به همراه حق الاشتراک یک ساله از کاترگژی‌ها برای اداره مجله فرستاده شد و در مقابل شماره‌های مجله به آدرس آنان ارسال می‌شد. این نحوه فروش مجله و وابسته بودن شدید آن به بودجه دولت، همچنین عدم

جذابیت مطالب، موجب اعتراضاتی به صورت کتبی و مقاومت منفی شد. با همه این تمهیدات مجله نتوانست از عهده هزینه‌های سنگین نگارش و چاپ برآید و در نتیجه در سال ۱۳۲۰ عملاً به تعطیلی کشیده شد در همان اوقات وزیر دارائی در نامه‌ای خطاب به نخست‌وزیر نوشت: «معلوم نیست با تمام این مخارج چه استفاده‌ای از آن شده و می‌شود. به نظر وزارت دارائی با مضیقه بسیار بودجه دولت و گرانی و کمیابی کاغذ که در آتیه نیز گرانتر خواهد شد، ادامه چاپ مجله نامبرده به صلاح و صرفه دولت نمی‌باشد با مراتب معروضه مستدعی است در صورت موافقت با نظر وزارت دارائی دستور بفرمایند عجاناً از چاپ مجله گفته شده صرف نظر نمایند تا با وضعیت و مشکلات کنونی از این حیث خسارتی متوجه دولت نگردد.»

با موافقت نخست‌وزیر مجله محترمانه تعطیل شد و قرار شد به جای آن هر سه ماه یک‌بار مجله‌ای به چند زبان خارجی برای تبلیغات دولتی منتشر شود.

با بروز حوادث شهریور ۲۰ و سقوط رضاشاه سازمان پرورش افکار نیز منحل شد. بعد از آن اصطلاح «پرورش افکاری» در فرهنگ معاصر ایران مترادف چاپلوسی و تملق‌گویی بود.

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

زیرنویس :

- ۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد متن تلگراف ها نگاه کنید به: عبدالله امیر طهماسب، شاهنشاهی اعلیٰ حضرت رض شاه چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۰ خورشیدی
- ۲- احسان ظهیری، جمعه ایران در دوران رض شاه تهران، ۱۳۵۶ خورشیدی، ص ۵۱ و ۵۰
- ۳- برای آگاهی پیرامون رابطه مضبوط و رئیس انوراد نگاه کنید به: حسین مکی، تاریخ بیست سه ایران، ج ۲، ص ۳۴۷ و ج ۳، ص ۱۹
- ۴- برای آگاهی بیشتر درباره علل شکست جمهوری خواهی از جمله نگاه کنید به: س. ملیک، استمرار تکناتوری رض خان در ایران، ترجمه سیروس یزدی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۷۳ و ۷۴

- ۵- برای آشنایی با تازه ترین اطلاعات پیرامون کشف حجاب نگاه کنید به: حجام الدین آشنا « کشف حجاب در آئینه اسناد» گنجینه اسناد - دفتر اول - بهار ۷۰
- ۶- در این مورد، بخصوص روزنامه های فرانسوی در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ مقالات زیادی انتشار دادند. انتشار یک کاریکاتور در یکی از روزنامه های فرانسوی موجب قطع رابطه ایران و فرانسه شد. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به: حسین مکی، تاریخ بیست سه ایران، ج ۲، ص ۴۰۹ تا ص ۴۱۲.
- ۷- برگرفته از متن سخنرانی دکتر احمد مین دفتری در اولین جلسه مجلس پرورش افکار.
- ۸- سند شماره ۱.
- ۹- روزنامه ایران از تاریخ تصویب اساسنامه این سازمان تا ده شماره بعد مرتباً سرمقاله های خود را به میسده پرورش افکار اختصاص داد و حین نقلی مستعان در این زمینه قلم فرسائی زیادی کرد.
- ۱۰- بعدها کمیسیون خدمات عامه هم اضافه شد.
- ۱۱- روزنامه ایران شماره ۲۷۵۹۴ مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۱۷، ص ۲.
- ۱۲- برگرفته از متن اساسنامه آموزشگاه پرورش افکار.
- ۱۳- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اداره کل انتشارات و تبلیغات نگاه کنید به: عیسی صدیق، یادگار عمر، ج ۳، ص ۱-۱۰.
- ۱۴- بودجه سالیانه سازمان پرورش افکار چند هزار تومان و در مقابل بودجه اداره کل انتشارات و تبلیغات یک میلیون تومان بوده است.
- ۱۵- برگرفته از متن اساسنامه کمیسیون مطبوعات سازمان پرورش افکار.
- ۱۶- اولین مطلب از پاسخ نخست وزیر به امریه شاهی شاه استفاده می شود.

- ۱۸- سند شماره ۳ و نامه شماره ۱۰۱ مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۵ رئیس کمیسیون مطبوعات به وزیر فرهنگ.
- ۱۹- نامه مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۷ خلیل نوعی به معاون نخست وزیر.
- ۲۰- صورت مجلس شماره ۱۵۶ به تاریخ ۱۳۱۹/۱۱/۱۶.
- ۲۱- نامه شماره ۱۰۱ کمیسیون مطبوعات مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۵ به وزیر فرهنگ.
- ۲۲- نامه شماره ۱۰۰ کمیسیون مطبوعات مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۵ به وزیر فرهنگ.
- ۲۳- نامه شماره ۳۵۳ مورخ ۱۳۱۹/۱۲/۱۵.
- ۲۴- از گزارش شماره ۱۶۹۰/۴۰۶۵۶۶ اداره کل انتشارات و تبلیغات مورخ ۱۳۱۹/۱۲/۲۷.
- ۲۵- مجله ایران امروز سال دوم شماره سوم خرداد ۱۳۱۹ - ص ۱۲.
- ۲۶- سند شماره ۴.
- ۲۷- سند شماره ۵.
- ۲۸- نامه مورخ ۱۳۱۹/۵/۱۲ چاپخانه های رشت به کمیسیون مطبوعات.
- ۲۹- سند شماره ۶.
- ۳۰- مجله رسانه سال اول شماره ششم ص ۸، نگاهی به آموزش روزنامه نگاری در ایران.
- ۳۱- در آن مقاله به اشتباه نام سازمان پرورش افکار سازمان سنجش افکار ذکر شده است.
- ۳۲- جلال همائی، شعوبیه، به اهتمام منوچهر قدسی - ص ۷۸.
- ۳۳- نامه شماره ۴۱۷۱ مورخ ۱۳۲۰/۱۲/۲۰ وزیر دارائی به نخست وزیر.

۱۶- اولین مطلب از پاسخ نخست وزیر به امریه شاهی شاه استفاده می شود.

تاریخ تأسیس دوره اول

شیخ محمد علی

تاریخ تأسیس دوره اول

سند شماره ۱

اساسنامه سازمان پرورش افکار

مصوب هیئت وزیران

مورخ ۱۲ دیماه ۱۳۱۷

ماده ۱ - برای پرورش و راهنمایی افکار عمومی سازمان مخصوص پرورش افکار
و سازمان پرورش افکار، تأسیس میشود.

ماده ۲ - سازمان پرورش افکار دارای یک هیئت مرکزی در پایتخت و
شعب در شهرستانها خواهد بود.

ماده ۳ - هیئت مرکزی تشکیل میشود از نمایندگان دانشگاه - انجمن علمی -
از مدیران دبیرستانها - رئیس آموزش سالمندان - رئیس اداره پیش آهنگی - رئیس
اداره راهنمای نامه نگاری. اسامی این اشخاص را وزارت فرهنگ معین و تصویب
هیئت وزیران میرساند. لدی الاقتضا ممکن است اشخاص بصیر و مطلع دیگر بتصویب
دولت بهیئت مرکزی ملحق شوند.

ماده ۴ - رئیس هیئت و رئیس دبیرخانه آن بتصویب دولت معین خواهند شد.

ماده ۵ - سازمان پرورش افکار برای انجام وظایف خود از وسایل ذیل
استفاده خواهد کرد:

روزنامهها - رسالهها - کتب کلاسیک و کتب عام المنفعه - سخنرانی عمومی -
نمایش و سینما - رادیو - موسیقی و سرودهای میهنی و امثال آن.

ماده ۶ - هیئت مرکزی دارای کمیسیونهای فرعی برای امور ذیل خواهد بود:

کمیون مطبوعات - کمیون کتب کلاسیک - کمیون سخنرانی - کمیون

نمایش - کمیون رادیو - کمیون موسیقی.

رؤسای این کمیسیونها به پیشنهاد وزارت فرهنگ از طرف دولت انتخاب میشوند. اعضای کمیسیونها با جلب نظر رئیس از طرف هیئت مرکزی تعیین میشوند.

ماده ۷ - وزارت فرهنگ در مرکز و شهرستانها آموزشگاهی فوراً تأسیس میکند که کلیه آموزگاران و دبیران در آن شرکت کرده ترتیب و اسلوب پرورش افکار دانش‌آموزان و سالمندان را فرا خواهند گرفت.

ماده ۸ - در شورای دانشگاه طرحی تهیه خواهد شد که مطابق آن هر يك از دانشکده‌ها مأمور میشوند تعلیمات لازم در شورای دانشکده برای پرورش افکار دانشجویان با استادان دانشکده بدهند.

ماده ۹ - وزارت فرهنگ طرح اساسنامه تهیه و تصویب دولت خواهد رساند که مطابق آن برای بهترین نویسنده مطبوعات - بهترین مؤلف - بهترین سخنران - بهترین سرودساز - بهترین تئاترنویس - جوایزی برقرار شود. همه ساله هیئت ممیزه برندگان این جوایز را تعیین و جوایز با تشریفات مخصوصی اعطا میشود. برندگان جوایز بموجب اساسنامه دارای امتیازات خاصی خواهند شد.

ماده ۱۰ - رؤسای فرهنگ شهرستانها بمرکز اجضاار میشوند برای گرفتن تعلیمات مخصوصی که هر يك در حوزه اداری خود با مشارکت فرماندار سازمان پرورش افکار را تشکیل داده و اداره نمایند.

ماده ۱۱ - کمیسیون رادیو مأمور است برنامه جامع تنظیم و به تصویب دولت برساند که بر ترتیب منطقی اخبار و نقلتها و موسیقی و غیره برای پرورش افکار عمومی بر سبیل رادیو پخش شود.

در مراکز کشور بلندگوهای در امکنه عمومی برای شنیدن رادیو نصب خواهد شد. کمیسیون رادیو باید فوراً شروع بکار نماید تا هنگام دایر شدن دستگاه رادیو در تهران برنامه شش ماه آن قبلاً آماده باشد.

ماده ۱۲ - کمیسیون کتب کلاسیک مأمور است در کتب درسی دبستانها و دبیرستانها اصلاحات سردمند بعمل آورده افکار مبین‌دوستی و شاهپرستی را در مندرجات آنها بوجه مؤثری بپرواند.

ماده ۱۳ - کمیسیون مطبوعات، مکلف است در سبک نامه نگاری، بر اساس اساسی بعمل آورده زمینه‌های مفیدی برای نشر مقالات مؤثر و تصاویر جالب تهیه کرده اهتمام نماید که عده کافی نویسنده تربیت و آماده شود و وسایل طبع از حیث مرغوبیت کاغذ و چاپ فراهم گردد.

ماده ۱۴ - کمیسیون سخنرانی دستور مجالس سخنرانی که در مرخصین و شهرستانها برپا میشود تهیه کرده و مراقبت خواهد نمود که عده کافی سخنران فراهم شده و خطابه‌ها در زمینه واحد برای پرورش افکار عمومی ایراد شود.

ماده ۱۵ - کمیسیون موسیقی مأمور است در اصلاح موسیقی کشور بوسیله ترویج موسیقی علمی اهتمام نماید که با ایجاد آهنگهای مهیج و سرودهای مینوی و نواهای فرح‌انگیز روح نشاط و کار و کوشش را در مردم تقویت کند.

ماده ۱۶ - برای پرورش افکار خدمتگزاران دولت در هر وزارتخانه رسائیل و مجالس سخنرانی و آموزشگاههای مخصوص تأسیس و دایر خواهد شد.

نخست وزیر: محمود جم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



جناب آیت الله العظمیٰ

زیر ره - ۱۲۸۸۱ - تبریز - بزرگوار حضرت امام خمینی

۵۶۵۹
۱۹/۱۱/۱۳۰۸

مقدمه در خصوص...
مقدمه در خصوص...
مقدمه در خصوص...

آیت الله العظمیٰ...
تبریز...
۱۳۰۸/۱۱/۱۹

مقدمه در خصوص...
مقدمه در خصوص...
مقدمه در خصوص...

پوشکایان و خاندان فریخی
علوم اسلامی

۱۳۰۸
۱۹/۱۱/۲۴

تاریخ ۱۱/۴/۱۳۱۹
شماره ۱۰۲۸۹۲



نخست وزیر

اداره کل انتشارات و تبلیغات

رونوشت گزارش آقای حجازی راجع بروزنامه شهرستان رشت
 به پیوست فرستاد میشود. بطوریکه اطلاع دارید در سبب
 بهبودی روزنامه های شهرستانها و اصلاح وضع مادی و معنوی
 آنها و امری از پیشگاه مبارک ملوکانه صادر و در اجرای فرمان شاهانه
 ترتیبات لازم برای اصفهان و تبریز و رشت داده شده است. تکلیف
 سایر نقاط هم باید هر چه زود تر تعیین گردد.

لازم است اداره کل انتشارات و تبلیغات در این زمینه مراقبت
 مخصوص نموده در صورت لزوم کمکهای نیش روزنامه های شهرستانها
 نماید تا در هر مرکز روزنامه آبرورین و نفوذمندتر گردد. - نخست وزیر

همکاران و بزرگان از حاشیه این گزارش بخاطر دغدغه و فراقم بکنند
 تا که تا در این روزها - با آن مکتوب و مکتوبه که در روزها که در گذشته
 گویا روزها و شبها تا در این روزها و روزها و این روزها در روزها

۱۱
۱۹
۱۳۱۹

۱
۱۰

سند شماره ۴

سازمان پرورس

پست مرکزی

دیرخانه

شماره ۸۱ ضمیمه

موضوع

باگان
۱۹/۵/۲۹

آقای مدیر چاپخانه اتحادیه - قزوین

در نظر گرفته شده است وضعیت چاپ در کشور و صورت آبرومندی داشته باشد و اینک چاپخانه های تهران و شهرستانها در صد اصلاح کار خود برآمده اند متاسفانه در چاپخانه قزوین بهبودی دیده نمیشود و برای شهری مانند قزوین این چاپخانه شایسته نیست با اینحال لازم است در رنج توافق کار خود اقدام فوری بعمل بیاورید که حد اکثر تا یکماه دیگر اثرات آن مشهود باشد .

رئیس کمیسیون مطبوعات پرورش افکار - محمدحجازی

رونوشت برای استحضار جناب آقای معتمدی معاون نخست وزیری فرستاده میشود .

رئیس کمیسیون مطبوعات پرورش افکار - محمدحجازی

۷
۷

۹۱۱۱
۱۹/۵/۲۹



وزارت واری

دفتر وزیر

برای بررسی در موضوع بهبودی وضع مجلات روزنامه ها بر طبق نامه شماره ۸۷ (۸) جناب آقای نخست وزیر کمیته در چند جلسه مرکب از آقایان مدیران روزنامه های ایران - اطلاعات - کوشش - تجدید ایران - مجله ایران امروز و نمایندگان وزارت فرهنگ و کار برداری مجلس راداره انتشارات و تبلیغات تشکیل بررسی کالی بعمل آمده و نظری که کمیته اتخاذ نموده بشرح زیر است :

چاپ مجله ایران امروز سایر نشریات دولتی از قبیل تعمیر و ترمیم (پاندرز) و سایر ایرانی بیست و دو نفری که از طرف وزارت فرهنگ و سایر وزارتخانه ها منتشر می شود بجا چنانچه مجلس اختصاص داده شود و چون چاپخانه مجلس برای انجام وظیفه مجهز نیست باید برای تکمیل وسایل و خرید ماشین آلات با احتیاط اقدام متدبیرانه نمود شرح نواقص و احتیاجات لازمه مطابق پیشنهادی است که از طرف کار برداری مجلس داده شده به هیئت می باشد و محتاج با اعتباری به مبلغ ۱۰۰۰ ۱۹۸۰۰ ریال می باشد .

برای بهبودی روزنامه های مهم مرکب چون لاکر هر روزنامه ای باید چاپخانه خود تراداشته باشد تا اختلافی در چاپ و امور مربوط هر یک ایجاد نگردد و بنا بر این بند کمیته باید نقایس چاپخانه های چهار روزنامه مهم یعنی مرکز (ایران - اطلاعات - کوشش - تجدید ایران) رفع کرده تا بتوانند روزنامه همسای آبرومندی انتشار دهند . البته با وضعیت فعلی مطبوعات وقتداری که طبع و فروش می رسد در آمد کمی این روزنامه ها کفاف هزینه و استهلاک سرمایه ای را که بدین طریق برای تکمیل هر یک از چاپخانه ها بکار باید چنانچه نمی نماید و علاوه مدیران روزنامه ها هم سرمایه لازم جهت تکمیل چاپخانه ها را ندارند کمیته مقتصد دارد برای رفع نقایس چاپخانه روزنامه ها از طرف دولت بطور اطمینان و مساعدت شود با این طریق که مفسر کرد از طرف یکی از بانکهای دولتی مبالغ مورد احتیاج تکمیل هر چاپخانه را با وثیقه گرفتن چاپخانه فعلی و ماشین آلاتی که بعد اورد میشود برای مدت طولانی متعلقش الی ده سال یا بهره مستقیم صاحبان هر یک از چاپخانه ها و باید هدیه که اصل وام و بهره مربوط با تسلط سالانه از درآمد چاپخانه مستهلک کرد و باقی مانده ماشین آلات لازمه جهت نظارت دولت باید وارد نقایس موجوده مرفوع کرده و ولی چون بطریق دیگر با احتیاط تراداشته کرده بدین روش روزنامه کفاف هزینه جاری و استهلاک بهره مربوط را بدهد برای آنکه هم درآمد مجلس برای چاپخانه های نامبرده تامین گردد تا بتوانند از بعد تا دیه وام و هزینه جاری خود برآیند و هم آنکه احوالی مطبوعات و مؤسسات دولتی صورت بهبودی آبرومندی نداشته باشد تمهیدات جاری که منظور می رسد

این است -

اساسنامه نگاه روزنامه نگاری مصوب یازدهمین جلسه هیئت مرکزی

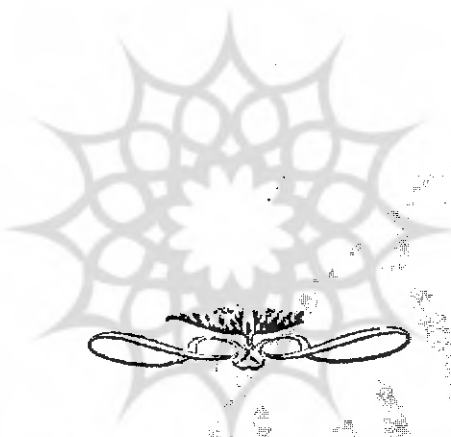
تاریخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۱۷

- ماده ۱ - بنگاهی در دانشکده حقوق بنام نگاه روزنامه نگاری تأسیس میشود.
ماده ۲ - دوره تحصیلات بنگاه روزنامه نگاری فعلاً یکسال خواهد بود.
ماده ۳ - برای ورود به بنگاه روزنامه نگاری داوطلب باید واجد شرایط ذیل باشد:

- ۱ (حسن اخلاق
- ۲ (گواهینامه تحصیلات متوسطه
- ۳ (انجام خدمت زیر پرچم یا داشتن معافیت دائم از آن
- ۴ (صحت مزاج
- ۵ (تابعیت ایران

- بصره ۱ - اشتغال تحصیل در دانشکده ها بدانچه حق میدهد در این نگاه بدون اینکه راجع بشرایط ورود از آن تحقیقی صورت نگیرد.
- بصره ۲ - کارمندان و نویسندگان فعلی روزنامه ها با معرفی مدیر مسئول و واجد بودن شرایط میتوانند در کلاس روزنامه نگاری شرکت نمایند ولی گواهینامه متوسطه از آنان مطالبه نخواهد شد.
- ماده ۴ - برنامه نگاه روزنامه نگاری عبارتست از:
- ۱ (زبان عربی و یکی از زبانهای زنده
 - ۲ (روزنامه نگاری (موضوع دادن برای نگارش با تصاندادن نمونه های مطبوعات بزرگ عالم - سرمقاله نویسی و نگارش مقاله های سیاسی و اقتصادی و مالی و تجاری) تقریظ شامل کتاب - هنر - موسیقی - نمایش - سینما.

- ۳ (اصول روزنامه نگاری (خبرنگاری - ترقی و توسعه روزنامه ها -
 نشر حاضر - سیاست روزنامه - روانشناسی توده - قانون مطبوعات ایران و آئین نامه
 غای آن .)
- ۴ (تاریخ معاصر اروپا ایران و کشورهای مجاور .
 ۵ (تند نویسی .
- ماده ۵ - پس از ختم تحصیل و قبول شدن در امتحان دانشجویان گواهینامه
 روزنامه نگاری از وزارت فرهنگ دریافت خواهند نمود .
- ماده ۶ - آئین نامه های اجرای این اساسنامه را دانشکده حقوق تهیه
 خواهد کرد .



پرونده گواهی نامه دانشجویان مطالعات فرهنگی
 رشته علوم انسانی